درمکتب امام

مغزهای شست‌وشو شده

هـــی تو گوش‌هـــا خواندند این را؛ همه چیز باید از آنجا باشـــد؛ همه چیز ما وابســـته باید باشـــد، اخلاق‌مان هم باید وابســـته باشد؛ وقتی هم که آزادی می‌خواهیم یک آزادی غربی می‌خواهیم؛ ما باید غربی باشـــیم؛ یک آزادی می‌خواهیم که همان شـــبیه آزادی غرب باشـــد. این معنا به این زودی از توی مغزهایی که شستشـــو شده است، چهل- پنجاه سال، بیســـت- سی سال و به جای مغز ایرانی مغز اروپایی آمده است، به جای فکر ایرانی فکر غربی جانشین آن شده است- این- به این زودی نمی‌شود رفعش کرد.

صحیفه امام؛ ج۸؛ ص۲۵ | قم؛ ۹ خرداد ۱۳۵۸

در گفت‌وگوی تلفنی وزیر خارجه با همتای ونزوئلائی

عراقچی: اقدام آمریکا تروریسم دولتی و تعرض آشکار به حاکمیت و اراده ملی ملت ونزوئلا است

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و «ایوان خیل پینتو»، وزیر خارجه جمهوری بولیواری ونزوئلا در یک تماس تلفنی درباره آخرین تحولات متعاقب تجاوز نظامـــی آمریکا به ونزوئلا گفت‌وگو کردند.

ســـیدعباس عراقچی، وزیـــر امور خارجه جمهوری اســـلامی ایران طی گفت‌وگـــوی تلفنی با «ایوان خیل پینتـــو»، وزیر خارجه جمهوری بولیواری ونزوئلا ضمن محکوم کردن شدید تجاوز نظامی آمریکا علیه ونزوئلا و ربایش رئیس‌جمهور قانونی این کشور و همسرش، این اقدام را مصداق بارز تروریسم دولتی و تعرض آشـــکار به حاکمیت و اراده ملی ملت ونزوئلا دانســـت و بر حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم و دولت منتخب ونزوئلا تأکید کرد.

وزیر خارجه ونزوئلا با قدردانی از مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در اعلام همبســـتگی با ونزوئلا، تاکیـــد کرد که مردم و دولت ونزوئلا مصمم به دفاع از حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشـــت خود در برابر سیاست‌های قلدرمآبانه و غیرقانونی آمریکا هستند.

ایـــالات متحده صبح روز شـــنبه (۱۳ دی‌مـــاه ۱۴۰۴) در اقدامی که با موجی از واکنش‌های بین‌المللی مواجه شـــده است، به ونزوئلا حمله کرد و رئیس‌جمهوری این کشور را ربود.

دولت ونزوئلا این اقدام را «تهاجم نظامی» خواند و ضمن اعلام وضعیت اضطراری، خواستار تشکیل نشست فوری شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

همزمان شماری از کشورها از جمله برخی متحدان آمریکا با واکنش‌های محتاطانه، بر لزوم رعایت اصول حقوق بین‌الملل و منشـــور ملل متحد تأکید کرده‌اند. ایران، روســـیه و چند کشـــور دیگر نیز اقدام واشنگتن را محکوم و نسبت به پیامدهای آن برای ثبات منطقه و نظام بین‌الملل هشدار داده‌اند.

عراقچی: روابط ایران و گرجستان تاریخی و مبتنی بر پیوندهای نزدیک مردمی است

خبر دیگر اینکه، سید علی موجانی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در گرجستان، پیش از عزیمت به محل ماموریت با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه دیدار و گفت‌وگو کرد.

در ایـــن دیدار، موجانی برنامه‌هـــا و اولویت‌های خود برای تقویت هرچه بیشـــتر روابط دوجانبـــه تهران-تفلیس و توســـعه همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف را تشریح کرد.

وزیر امور خارجه نیز ضمن آرزوی موفقیت برای ســـفیر کشـــورمان در تفلیـــس، روابط ایران و گرجســـتان را تاریخی و مبتنی بر پیوندهای نزدیک مردمی توصیف کرد و بر ضرورت تقویت تعاملات و همکاری‌های دو کشـــور در حوزه‌های سیاســـی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری، ترانزیتی و گردشـــگری تاکید کرد.

عراقچی هشـــتم آبان‌ماه ســـال جاری در نشســـت دیپلماسی اقتصادی آذربایجان‌شرقی، موجانی به عنوان ســـفیر ایران در گرجستان معرفی کرد. موجانی دیپلمات و مشاور وزارت امور خارجه بوده است.

تأکید عراقچی بر توسعه مناسبات همه‌جانبه ایران و جمهوری آذربایجان

همچنین، مجتبی دمیرچی‌لو، سفیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان، روز یکشنبه ۱۴ دی‌ماه با وزیر امور خارجه دیدار داشت.

در این دیدار، ســـفیر کشورمان گزارشی جامع از آخرین وضعیت روابط دوجانبه، در پی سفر اخیر وزیر امور خارجه به باکو، ارائه کرد.

وزیـــر امور خارجه نیز با اشـــاره به دیدارهای ســـازنده خـــود با مقامات عالی‌رتبه جمهوری آذربایجان، بر پیشـــبرد مؤثر رویکرد حســـن همسایگی از طریق تقویت و توسعه مســـتمر مناسبات همه‌جانبه و گسترش رایزنی‌ها در حوزه‌های اقتصادی، ترانزیتی، سیاســـی، فرهنگی و انســـانی با جمهوری آذربایجان تأکید کرد.

به گـــزارش ایرنا، وزیر امور خارجه ۱۶ آذرماه بـــه جمهوری آذربایجان سفر و با الهام علی‌اف رئیس‌جمهور و دیگر مقامات این کشور دیدار و درباره مهم‌ترین موضوعات دوجانبه و منطقه‌ای گفت‌وگو کرد.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

دلارهای کثیف اسرائیل برای تنفس مصنوعی به آشوبِ از نفس‌افتاده

سرویس سیاسی-

تحرکات سازمان‌یافته هسته‌های آشوب برای مصادره مطالبات اقتصادی اصناف، با هوشیاری مردم، بازاریان و ضرب شســـت دســـتگاه‌های انتظامی و امنیتی به لیدرهای دلاری، به پروژه‌ای شکست‌خورده تبدیل شد که اکنون تنها با تنفس مصنوعی واشنگتن و تل‌آویو نفس می‌کشد.

در روزهـــای اخیـــر، فضای سیاســـی و اجتماعی ایران شـــاهد یک تفکیک راهبردی و هوشمندانه بود. همان‌گونه که رهبر معظم انقـــلاب همواره با درایت و بصیرت دست دشـــمن را خوانده و تاکید فرمودند که «اعتراض با اغتشـــاش فرق دارد»، وقایع اخیر بار دیگر صحت این مرزبندی را به اثبات رساند. از سویی، بخشی از بازاریان و اصناف در پی نوسانات ارزی و دغدغه‌های اقتصادی، مطالباتی داشـــتند که با واکنش مســـئولانه دولت در برگزاری جلســـات مستقیم مواجه شد؛ اما از ســـوی دیگر، پادوهای داخلی و هسته‌های اجاره‌ای با فرمان اربابان غربی- صهیونیستی خود تلاش کردند تا بر موج این مطالبات سوار شده و پروژه سوخته «آشوب» را کلید بزنند.

در پس این حوادث، پشـــت‌پرده تلاش مذبوحانه مثلـــث «آمریکا، رژیم صهیونیســـتی و منافقین» برای احیای جریان اغتشـــاش هویدا می‌شود؛ جریانی که با هوشـــیاری مردم به بن‌بست رسیده و اکنون با «تنفس مصنوعی» رسانه‌های بیگانه و دلارهای کثیف، به دنبال بقای نمایشی است.

ضربه کاری انتظامی به شبکه لیدرهای اجاره‌ای

یکی از نقاط عطف در مهار و مدیریت حوادث اخیر، هوشیاری دستگاه‌های انتظامی و امنیتی در شناسایی هســـته‌های اصلی آشوب بود. ســـردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی، با کالبدشـــکافی دقیق این وقایع، پرده از یک ســـازماندهی خارجی برداشت. سردار رادان در گفت‌وگو با بخش خبری رسانه ملی اظهار داشت:

«در ابتدا موضوع مطرح‌شده، یک اعتراض اقتصادی از ســـوی بازاریان بود که نســـبت به نوسانات اقتصادی مطالبات و اعتراضات به‌حقی داشـــتند، اما متأسفانه از روز بعد این اعتراض‌ها از مسیر اصلی خود خارج شد و به تجمعات و اعتراضات خیابانی تبدیل شد. برخی افراد و جریان‌ها با سوءاستفاده از فضای ایجادشده، تلاش کردند با تحریک مردم و هدایت اعتراضات، ناامنی ایجاد کنند.»

فرمانده کل انتظامی با اعلام آغاز «دستگیری‌های هدفمند لیدرهای مجـــازی و خیابانی» تاکید کرد که پلیس اجازه نخواهد داد امنیت مردم فدای موج‌سواری بدخواهان شود. از میان دستگیرشدگان تعدادی اعتراف کردند که برای ایجاد اغتشاش دلار دریافت کرده‌اند.

نکته تکان‌دهنده در اظهـــارات وی، اعتراف برخی بازداشت‌شدگان به دریافت دلار از خارج از کشور برای ایجاد ناامنی بود. این نشان می‌دهد که برخلاف ادعای رســـانه‌های غربی، آنچه در کف خیابان رخ داد، نه یک کنش مدنی، بلکه یک مأموریت مزدورانه با دســـتمزد ارزی بود. تحلیل حضور پلیس نشان می‌دهد که راهبرد «برخورد قاطع با آشوبگر و گفت‌وگو با معترض»، دقیقا همان مسیری اســـت که پروژه آشوب را در نطفه خفه می‌کند.

چند میلیون می‌گیری تا اغتشاش کنی؟!

برای درک حقارت جریانی که در داخل، اغتشاش، ایجاد ناامنی و تخریب اموال عمومی را اعتراض سراسری می‌نامد، باید به اعترافات دو اغتشاشگر در شاهین‌شهر اصفهان نگریست. این ویدئو که توسط پلیس منتشر شده، سندی است بر بهره‌کشی رذیلانه معاندین از هیجانات کاذب. در ایـــن ویدئو، دو اغتشاشـــگر ۱۶ و ۱۸ ســـاله با تشـــریح جزئیات نفوذ به هســـته‌های آشوب، فاش کردند که چگونه در یک کافی‌شـــاپ در شاهین‌شـــهر توسط لیدرهایی که مستقیماً از آلمان هدایت می‌شدند، مورد سوءاســـتفاده قرار گرفته‌انـــد. طبق اظهارات این دو، هماهنگی‌ها در محیطی کاملاً جاسوســـی صورت می‌گرفته؛ به‌طوری که ورود به مکان مذکور مســـتلزم ارائه رمز عبور خاصی مانند «از آلمان تماس گرفتند» و سفارش یک نوع قهوه مشخص «دبل اسپرسو» بوده تا هویت افراد برای عوامل اجرائی احراز شود.

این دو متهم اعتراف کردند که برای هر شب حضور در تجمعات و انجام اقدامات ساختارکن‌شکنانه، مبلغ چند میلیون تومان در قالب اسکناس‌های یک‌دلاری دریافت کرده‌اند تا ثابت شود که اعتراضات دارای پشتوانه مالی خارجی است. لیدرهای این هسته همچنین با آموزش فنـــون «تمارض»، از آن‌ها خواســـته بودند با اقداماتی نظیر سیگار کشیدن تعمدی در مقابل مأموران پلیس، ایجاد درگیری لفظی و سپس زمین زدن خود، سناریوی «مظلوم‌نمایی» و «کشته‌ســـازی» را برای دوربین‌های رسانه‌های معاند اجرا کنند.

وقتی «مردم» با فراخوان‌ها همراهی نمی‌کنند دشمن ناچار است «سرباز اجاره‌ای» استخدام کند

این اعترافات نشـــان می‌دهد که لیدرهای اصلی با تهدید خانواده‌های این نوجوانان و استفاده از جاذبه‌های مالـــی، گروهی ۳۰ تا ۴۰ نفره از کودکان ۱۲ ســـاله تا جوانان ۱۹ ساله را برای ایجاد بلوا سازماندهی کرده بودند.

این مدل عملیاتی، که در آن از موردهای ۱۲ ساله تا جوانان ۱۹ ســـاله با تهدید خانواده‌ها و تطمیع مالی استفاده می‌شود، نشان‌دهنده شکست سنگین دشمن در جذب توده‌های مردم است. وقتی «مردم» با فراخوان‌ها همراهی نمی‌کنند، دشمن ناچار است «سرباز اجاره‌ای» استخدام کند.

همچنین در میان بازداشت‌شدگان، لیدرهایی نیز به چشم می‌خورند که با پوشش‌های عادی، مأموریت‌های ضدامنیتی خـــود را پیش می‌بردند؛ از جمله فردی که به عنوان «باریســـتا» در یک کافه مشغول به کار بوده و به‌صورت هدفمند، فضای مجازی را به بستری برای نبرد علیه ارکان امنیتی کشـــور تبدیل کرده بود. این فرد با بهره‌گیری از پلتفرم اینستاگرام و تحت تاثیر خط‌دهی جریانات معاند، به طور سیستماتیک اقدام به تولید محتوا، فحاشی و انتشار پیام‌های تهدیدآمیز علیه نیروهای مسلح می‌کرد تا با ایجاد فضای رعب و تخریب اقتدار مدافعان وطن، پیاده‌نظام دشـــمن در جنگ نرم باشد. اعترافات وی نشـــان می‌دهد که حضور او در فضای مجازی نه از سر هیجان، بلکه اقدامی سازمان‌یافته برای ضربه زدن به امنیت روانی جامعه و ساختارشکنی بوده است.

در نمونه دیگر، رسانه‌های معاند با توسل به سناریوی نخ‌نمای «کشته‌سازی»، مدعی فوت فردی به نام «ساغر اعتمادی» در فارســـان شـــدند؛ اما گزارش‌های رسمی پزشـــکی فاش کرد که برخلاف ایـــن دروغ‌پردازی‌ها، نامبرده تنها دچار آســـیب‌دیدگی شـــده و با وضعیت عمومی کاملاً پایدار در بیمارســـتان تحت درمان است. این رســـوایی جدید نشان داد که دشمن برای زنده نگه داشتن جریان آشوب، حتی از جعل خبر مرگ افرادی که در قید حیات هستند نیز ابایی ندارد.

رد پای منافقین و تروریسم خیابانی

پروژه آشـــوب اخیر تنها به فریب‌خوردگان محدود نشد. بررسی‌های فنی نشان می‌دهد که کانال تلگرامی موســـوم به «اعتراض مدنی بازار» که نقش محوری در تحریک اصناف داشت، مستقیماً از تیرانا (آلبانی) توسط گروهک تروریستی منافقین اداره می‌شود.

ایـــن کانـــال که ابتدا لوکیشـــن آلبانی داشـــت و بعدها بـــرای فریب کاربـــران آن را بـــه «روپا» تغییر داد، ماموریت داشـــت تا مطالبات صنفی را به ســـمت شعارهای ساختارشـــکنانه و حمایت از تروریست‌های زندانی سوق دهد.

به آتش کشیدن یک انسان «اعتراض مدنی» است یا تکرار جنایات داعش؟

همزمان با این جنگ نرم، در میدان نیز تروریســـم عریان رخ داد. در شـــیراز، اغتشاشـــگری که با کپسول آتش‌نشانی پر شده از بنزین به یک مأمور پلیس حمله کرده و او را به آتش کشیده بود، دستگیر شد. این فرد که با سلاح سرد مجهز بود، اعتراف کرد که هدفش صرفاً ایجاد رعب و وحشت و آسیب به نیروهای حافظ امنیت بوده اســـت. آیا به آتش کشیدن یک انسان، «اعتراض مدنی» اســـت یا تکرار جنایات داعش و اربابان آنها در خیابان‌های ایران؟!

ریاکاری ترامپ و بلوف حمایت از مردم

تحلیل رفتارشناسی مقامات کاخ سفید و سران رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که ژست‌های مکرر آن‌ها در فضای مجازی، نه یک کنش دیپلماتیک یا بشردوستانه، بلکه بخشی از یک «عملیات فریب» سازمان‌یافته است. تظاهـــر ترامپ به حمایت از ملت ایران در حالی صورت می‌گیـــرد که کارنامه وی آکنده از اقداماتی اســـت که مستقیماً حیات و سلامت ایرانیان را هدف قرار داده است.

تناقض آشکار ترامپ میان «ماشه اسلحه» و «پیام توئیتری»

در واقع، مشارکت مستقیم آمریکا در تجاوزات رژیم صهیونیستی به خاک ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه که حدود ۶ ماه پیش رخ داد، بزرگ‌ترین گواه بر این وقاحت سیاســـی است. ترامپ در حالی ادعای همراهی با مردم را دارد کـــه در آن تهاجم خونین، بیش از ۱۱۰۰ نفر از شهروندان ایرانی به شهادت رساندند؛ فاجعه‌ای که طبق گزارش‌های رسمی سازمان هلال‌احمر، اکثریت قریب به اتفاق قربانیان آن (بـــالای ۷۰ درصد) غیرنظامیان، از جملـــه زنان و کودکان معصومی بودند که در مناطق مســـکونی هدف قرار گرفتند. این تناقض آشکار میان «ماشـــه اســـلحه» و «پیام توئیتری»، نشان‌دهنده آن است که خون ایرانیان برای واشنگتن تنها ابزاری برای فشار سیاسی است.

ادعای دلسوزی برای معیشت مردم از زبان ترامپ یکی از معماران «تروریسم اقتصادی»

از سوی دیگر، ادعای دلسوزی برای معیشت مردم از زبان یکی از معماران «تروریسم اقتصادی» بیشتر به یک شـــوخی تلخ شبیه است. ترامپ که با خروج از توافقات بین‌المللی، ســـنگین‌ترین تحریم‌هـــای تاریخ را تحت عنوان «فشـــار حداکثری» بر سفره بازاریان، کارگران و توده‌های مردم تحمیل کرد، اکنون با کلید زدن نسخه دوم این کمپین، به دنبال خشکاندن ریشه‌های اقتصادی و دارویی کشـــور است. او با یک دست، پیچ‌های تحریم را سفت‌تر می‌کند و با دست دیگر برای آشوبگران پیام تشویق می‌فرستد.

هدف نهائی یک مثلث شوم

این رفتار دوگانه ثابت می‌کند که حمایت واشنگتن و تل‌آویو از هســـته‌های آشوب، نه از سر دلسوزی برای مطالبات مـــردم، بلکه صرفاً یک «تنفس مصنوعی» به پروژه‌ای امنیتی است که در صحنه میدانی با هوشیاری ملت ایران به سنگ خورده است. هدف نهائی این مثلث شوم، نه «آبادی معیشت»، بلکه «ویرانی ساختار ایران» و تبدیل مطالبات برحق اقتصادی به جنگ داخلی است تا از این طریق، شکست‌های منطقه‌ای خود را جبران کنند.

بیانیه جریان مدعی اصلاحات؛ جاده‌صاف‌کن آشوب یا کوررنگی سیاسی!

در حالی که اســـناد و اعترافات متقن، از دلارهای ارسالی تا هدایت عملیاتی از اتاق‌فکرهای دشمن را فاش کرده است، موضع‌گیری جریان مدعی اصلاحات بار دیگر ثابت کرد که این جریان در بزنگاه‌های حساس، ترجیح می‌دهد چشم بر واقعیت ببندد و نقش پیاده‌نظام رسانه‌ای دشـــمن را ایفا کند. بیانیه اخیر این جبهه، مصداق بارز «آدرس غلط دادن» و تطهیر جریانی اســـت که امنیت ملی را هدف قرار داده است.

بندهایی از این بیانیه که عملاً مکمل پازل دشمن و پشتیبان شبکه اغتشاش است، شایان نقد جدی است:

جریان مدعی اصلاحـــات در بیانیه خود با ادبیاتی حاکـــی از فرار رو بـــه جلو و چشـــم‌بندی بر حملات وحشـــیانه با کپسول آتش‌زا به مأموران و تخریب اموال عمومی، مدعی شـــده‌اند که «برخوردهـــای امنیتی و بازداشـــت‌های گسترده، به تشـــدید بی‌اعتمادی منجر می‌شود». ســـؤال اینجاست که آیا بازداشت لیدری که از خارج از کشـــور برای آتش زدن پلیس دستور و دلار گرفته، «برخورد امنیتی با معترض» است یا صیانت از حق حیات شهروندان؟ این جریان با داخلی نشان دادن منشـــأ تمام وقایع، آگاهانه اعترافات لیدرهای آشوب را سانسور کرده است.

از طرفی در شرایطی که ترامپ با «فشار حداکثری و تحریم» معیشـــت مردم را گروگان گرفته و دســـت صهیونیست‌ها به خون کودکان ایرانی آلوده است، جریان مدعی اصلاحات در بیانیه اشـــاره شده، دوباره نسخه از مد افتاده «تغییر رویکرد سیاست خارجی و به‌کارگیری دیپلماســـی فعال» را پیچیده است. این یعنی در حالی که دشمن برای ایران چنگ و دندان نشان می‌دهد، ما باید ســـنگر اقتدار را رها کرده و به قاتلان ۱۱۰۰ شهید جنگ ۱۲روزه و میز مذاکره بمباران شده لبخند بزنیم!

ادعای عقب‌نشینی و تسلیم در برابر دشمن با ظاهر ادبیات «استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی برای کاهش فشارها» توســـط مدعیان اصلاحات در حالی که طرف مقابل راهی جز تســـلیم مطلق باقی نگذاشـــته، چیزی جز حماقت سیاســـی یا خیانت آشکار به خون شهدای مدافع امنیت نیست.

این جریان در بخشـــی از بیانیه خود از دولت بابت «پرهیز از خشونت و شنیدن صدای معترضان» قدردانی می‌کند، اما تعمداً مرز میان «بازاریِ معترض به نرخ ارز» و «اوباشِ بنزین به دســـت» را مخدوش می‌سازد. آن‌ها مدعی هستند که «نحوه مواجهه حاکمیت، معیاری برای سنجش عقلانیت است»، اما هرگز توضیح نمی‌دهند که چرا عقلانیت آن‌ها صدای مأمور ســـوخته در شیراز یا کسبه غارت شده را نمی‌شنود؟

جبهه اصلاحات در حقیقت در بیانیه مذکور با فرار از محکومیت قاطع جنایات آشوبگران، به جای مرزبندی با دشمن، تلاش کرد تا هزینه برخورد با مزدوران دشمن را بالا برده و جاده‌صاف‌کن پروژه‌ای شود که هدف نهائی آن نه اصلاح، بلکه تجزیه ایران است.

پایانی بر رؤیای صهیونیستی

واقعیـــت میدانی ایران امروز با روایت‌ســـازی‌های فانتزی رسانه‌های غربی فرسنگ‌ها فاصله دارد. شکاف عمیق میـــان «روایـــت جعلی» و «واقعیـــت عینی»، بزرگ‌ترین شکســـت را برای طراحان پروژه آشوب رقم زد و نشـــان داد که محاسبات دشمن باز هم پشت سد محکم جامعه ایرانی متوقف شده است.

شکســـت این پـــروژه بیش از هر چیـــز محصول هوشیاری توده‌های مردم است؛ همان مردم و بازاری‌های وفـــاداری که علی‌رغم وجود گلایه‌هـــای اقتصادی، به محض مشاهده دســـت‌های پنهان دشمن و رفتارهای داعشیِ هسته‌های آشوب، هوشمندانه صف خود را جدا کردند. این بصیرت همگانی ثابت کرد که جامعه ایران تفاوت میان «نقد مصلحانه» و «آشـــوب ویرانگر» را به خوبی درک می‌کند.

در کنار این بلوغ مردمی، مرزبندی دقیق و راهبردی مقام معظم رهبـــری اصلی‌ترین عاملی بود که راه را بر هرگونه سوءاستفاده بست. فرمایشات حکیمانه ایشان با تبیین تمایز میان اعتراض و اغتشاش، از یک‌سو دست مسئولان را برای سعه‌صدر و گفت‌وگو با معترض واقعی باز گذاشـــت و از ســـوی دیگر، حجت را برای برخورد قاطع با تروریســـت‌های خیابانی تمام کرد. این تفکیک هوشمندانه، نقشه دشمن برای دوقطبی‌سازی حاکمیت و مردم را به بن‌بست کشاند.

در این راســـتا، حضور حماسی و گسترده مردم در مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی در سراسر کشور به ویژه در مصلای امام خمینی(ره)، گلزار شهدای کرمان، انتشـــار تصاویر تقدیر مردم از حافظان امنیت بـــا اهدای گل، تجمـــع مردم بروجـــرد و همدان برای محکوم‌کردن اقدامات اغتشاشگران، میعادگاه‌های نماز جمعه و نیز بزرگ‌ترین تئاتر خیابانی شیعه با نام «فتح خیبر» و مراسم رونمایی از یادمان عظیم «فاتح خیبر» نشان داد بار دیگر آگاهی، وفاداری و بصیرت ملت بزرگ ایران، سناریوی شوم دشمن را ناکام گذاشت.

همچنین اقتدار میدانی و سرعت عمل دستگاه‌های انتظامی، امنیتی و قضائی در شناسایی دقیق سرپل‌های خارجـــی و هســـته‌های اجـــاره‌ای، شـــبکه ارتباطی و لجستیکی دشـــمن را در همان لایه‌های نخستین فلج کرد. دســـتگیری لیدرهایی که مســـتقیماً از آن سوی مرزها هدایت می‌شدند، نشان داد که اشراف اطلاعاتی نظام، بســـیار فراتر از تخیلات اتاق‌های فکر واشنگتن و تل‌آویو است.

بنابراین، فریادهای حمایتی امروز ترامپ و ســـران رژیم صهیونیستی، نه از روی قدرت، بلکه فریادی برای پوشاندن صدای شکست یک طرح بزرگ است. طرحی که با هدف به آشـــوب کشـــیدن ایـــران و تجزیه ملی طراحی شـــده بود، اما با سد محکم «بصیرت مردمی» و «اقتـــدار حاکمیتی» فرو ریخت. امـــروز که نقاب از چهره «اغتشاشگران معترض‌نما» افتاده، ملت ایران بار دیگر به جهانیان ثابت کرد که اجازه نخواهد داد امنیت ملی و استقلال کشور، وجه‌المصالحه دلارهای کثیف و نقشه‌های شوم استکبار شود.

تجزیه‌طلبان «سلاح مخفی» اسرائیل علیه ایران وقتی طرح آشوب در نطفه خفه می‌شود

با وجود برنامه‌ریزی گسترده رژیم صهیونیستی و مزدوران وی، خصوصا رضا پهلوی برای به آشـــوب کشاندن ایران و ایجاد ناامنی گسترده به منظور مقدمه‌چینی برای زمینه یک حمله نظامی دیگر، این پروژه در نطفه شکست خورد.

در روزهای گذشـــته برخی از هسته‌های مرتبط با جریانات تروریستی و خشونت‌طلب در نقاط مختلف کشور اقدام به حمله به اموال عمومی و سلب آسایش و مصادره اعتراضات به حق مردم کردند که باوجود ناچیز بودن این افراد و عدم اســـتقبال جامعه از فراخوان‌های آنها برای اغتشاش و آشوب، در رسانه‌های غربی و خصوصا صهیونیستی، با حمایت گسترده و بزرگنمایی‌های قابل توجه و اغراق‌آمیزی مواجه شـــد. تا آنجا که چندین تن از مقامات رژیم تروریســـتی صهیونیستی که دستشـــان به خون هزاران نفر از مردم ایران، از جمله زنان و کودکان آلوده است، به حمایت از آشوب این هسته‌های محدود از آشـــوبگران کردند تا شاید با چنین تنفس مصنوعی بتوانند جریان آشوب و اغتشاش را زنده نگه دارند.

رژیم صهیونیستی در چهار دهه گذشته، از ابزار و شیوه‌های متنوعی بر علیه مردم و کشـــور ایران استفاده کرده است. از تقویت اغتشاشات داخلی، فضاسازی‌های التهابی، حمایت از گروه‌های منافقین، کمک به تروریست‌های افراطی تا انجام حملات نظامی غیرمستقیم و مستقیم به خاک ایران.

به گزارش مشـــرق، یکی از مسائلی که نقش و ردپای صهیونیست‌ها به وضوح در آن مشـــاهده می‌شـــود، حمایت و تقویت گروه‌های تجزیه‌طلب در نقاط مختلف کشور تحت عنوان حمایت از مبارزان آزادی‌خواه است و اولین نمونه‌های علنی آن که صهیونیســـت‌ها صراحتا به آن اشاره کردند، در سال گذشته نمایان شد که یکی از مصادیق دقیق آن، مقاله مردخای کیدار است.

مردخای کیدار افسر بازنشسته موساد در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۲۴ میلادی مقاله‌ای با عنوان «ملت‌های غیر فارس، راز سرنگونی نظام ایران» در روزنامه «جروزالم پست» منتشر کرد. این نویسنده انگشت روی نقطه‌ای حساس، یعنی تحریک احساسات قومی و نژادی گذاشته است. او طرحی ارائه کرده است که بر اساس آن ایران به ۶ کشور تجزیه شود و هر کدام از قومیت‌های غیر فارس یک کشـــور مستقل تشکیل دهند. صهیونیست‌ها که در یک دهه گذشته به منظور حفظ دروغ‌های خود در رابطه با عدم دشمنی با مردم و تمامیت ارضی ایران تلاش می‌کردند تا به صورت رســـمی و آشکار به همکاری‌های خود با تجزیه‌طلبان داخل ایران اشاره نکنند، طی چند سال اخیر و خصوصا پس از شکست در دستیابی به اهداف خود در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، اکنون عملا رویکرد خود را تغییر داده و صراحتا از لزوم فعال کردن هسته‌های تجزیه‌طلب، منافقین و جریان اپوزیسیون داخلی در ایران می‌گویند.

در همین رابطه، وب‌سایت مجله نیوزویک در گزارشی مشروح به بررسی این مسئله پرداخته و به نقل از یک مقام سابق رژیم صهیونیستی نوشت: در حالی که جنگ ۱۲ روزه در ایران تمام شده و این کشور در حال آماده کردن خود برای نبرد احتمالی دیگری اســـت، اسرائیل سلاحی مخفی در زرادخانه خود علیه جمهوری اســـلامی ایران حفظ کرده است: اقلیت‌های قومی که به دنبال سرنگونی حکومت و استقلال‌طلبی هستند.

تحلیلگران و مقامات ســـابق اسرائیلی به نیوزویک می‌گویند که بحث‌ها درباره حمایت از چنین فعالیت‌هایی در حالی که تنش‌ها در سراسر غرب آسیا همچنان در حال جوش و خروش اســـت، در حال برجسته‌تر شدن است. از جمله این افراد، عِران لَهاو، تحلیلگر سابق اطلاعات نیروی اسرائیل و پژوهشگر ارشد در انجمن دفاع و امنیت اسرائیل است.

او اخیراً گزارشی تدوین کرده که راه‌هایی را شناسایی می‌کند که اسرائیل می‌تواند فشـــار بیشتری بر ایران وارد کند، از جمله از طریق تقویت شراکت با گروه‌های اپوزیســـیون ایرانی مستقر در داخل و خارج از ایرانی. در زمانی که فراخوان‌ها برای قیام‌های مردمی از ســـوی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اســـرائیل، و رهبران مخالف ایرانی تا حد زیادی محقق نشـــده، این گزارش نتیجه می‌گیرد که «امید به تنهائی کافی نیست» و «تنها کمک‌های مادی، از جمله تسلیحات و لجستیک، می‌تواند اپوزیسیون را قادر به اقدام قاطع کند.

عِران لَهاو در این رابطه به نیوزویک گفت: «ما هنوز کار را تمام نکرده‌ایم. هنـــوز کارهایی بـــرای انجام دادن وجود دارد. فکر می‌کنم می‌توانیم فشـــار بیشـــتری وارد کنیم و نظام ایران را بیشتر تهدید کنیم.» او همچنین گفت: «این می‌تواند به گروه‌های داخل ایران نیز کمک کند، و فکر می‌کنم اسرائیل باید با دقت اســـتراتژیک ببیند که چگونه می‌تواند در چند ماه آینده در این رابطه اقدام کند». شـــواهد و قرائن موجود نشـــان می‌دهد که عدم همراهی آحاد ملت ایران با خواســـته‌های رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، منجر به این مسئله شده است که صهیونیست‌ها نقاب دروغ حمایت از مردم ایران کنار گذاشته و به طرح و اقدامات تروریستی و اغتشاشات برای ضربه زدن به امنیت و آسایش مردم و همچنین یکپارچگی کشور روی آورده‌اند که مجری اصلی آن را نیز صهیونیست‌ها از پیش مشخص کرده‌اند.

در حال حاضر، مجری اصلی طرح ایجاد درگیری‌های داخلی و آشـــوب با اســـتفاده از اقدامات مســـلحانه و تحریک جریانات تجزیه‌طلب و آشوبگر داخلی، کسی نیست جز رضا پهلوی، ولیعهد خودخوانده رژیم مخلوع پهلوی و عروســـک خیمه شب بازی سرویس‌های اطلاعاتی غربی و صهیونیستی در مبارزه علیه مردم ایران.

شـــواهد این مسئله چند ماه قبل خود را نشان داد و این پیام را منتقل کرد که پهلوی با حمایت رژیم صهیونیستی در حال تدارک پروژه‌ای گسترده برای ناامن کردن فضای داخلی ایران است. در همین رابطه، در ماه‌های اخیر، رضا پهلوی در بخشی از اظهارات خود در کانادا گفت: «اکنون زمان تشکیل و گسترش گروه‌های کوچک مبارزه و آماده‌شدن برای نبرد آخر است».

بلافاصله پس از این اظهارات برخی عناصر معاند و تعدادی از اکانت‌های وابسته به پهلوی که البته اکثریت آن توسط رژیم صهیونیستی هدایت می‌شود به‌صورت هماهنگ از ضرورت تشکیل تیم‌های شناسایی و ترور و هسته‌های مسلح و نکات آموزشی مرتبط با این اقدامات گفتند.

خطی که در همان زمان، به وضوح نشـــان از برنامهٔ پهلوی برای ورود به فاز مســـلحانه و اقدامات تروریستی علیه مردم ایران داشت و در حال حاضر، اقدامات هسته‌های تروریســـتی در شهرهای مختلف علیه امنیت عمومی را باید در این چهارچوب نگریست.

در این میان، گیلا گاملیل سکاندار اصلی ایجاد این ارتباط و هماهنگی‌های فعلی میان اســـرائیل و پهلوی، از ســـوی کابینه و سیســـتم اطلاعاتی رژیم صهیونیســـتی است که در چند سال گذشته مســـئولیت این امر را برعهده داشته است. اما گیلا گاملیل کیست و چرا از سوی رژیم صهیونیستی مسئول برقراری ارتباط با پهلوی و جریان اپوزیسیون ایرانی شده است؟

گیلا گاملیل یک سیاســـتمدار برجســـته صهیونیست است که به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی حزب لیکود (حزب راســـت‌گرای بنیامین نتانیاهو) شناخته می‌شود. او در حال حاضر (تا نوامبر ۲۰۲۵) به عنوان وزیر نوآوری، علوم و فناوری اســـرائیل فعالیت می‌کند، اما پیش از این، از ژانویه ۲۰۲۳ تا مارس ۲۰۲۴، وزیر اطلاعات رژیم صهیونیســـتی بود. گاملیل به دلیل تمرکز بر مسائل اطلاعاتی و روابط خارجی، و حمایت از جنبش‌های مخالف حکومت ایران، در رسانه‌های فارسی‌زبان و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

مهم‌ترین مسئله در رابطه با انتخاب وی به عنوان مسئول پروژه پهلوی در رژیم صهیونیستی، مواضع به شدت ضدایرانی وی و همچنین داشتن مسئولیت وزارت اطلاعات اسرائیل در طول ژانویه ۲۰۲۳ تا مارس ۲۰۲۴ بود که برای گاملیل نقش محوری در گرفتن این مسئولیت داشت.

پست وزیر اطلاعات (Minister of Intelligence) در دولت نتانیاهو، نقش کلیدی در حوزه سیاست خارجی و عملیات اطلاعاتی اسرائیل دارد. این وزارتخانه در ســـال ۲۰۰۹ (تحت دولت اول نتانیاهو) ایجاد شد تا هماهنگی بین آژانس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیســـتی را مدیریت کند و هدف اصلی آن، جلوگیری از پراکندگی در عملیات اطلاعاتی بود.

تلاش ســـلطنت‌طلبان برای ورود به فاز مسلحانه علیه مردم و اظهارات کارشناسان صهیونیست در رابطه با لزوم فعال کردن درگیری‌های داخلی با محوریت جریانات تجزیه‌طلب در شهرستان‌های مختلف، یادآور رفتار منافقین و گروهک‌های تروریســـتی در دهه شصت است که وقتی مسیر دستیابی به قدرت را بسته دیدند به روی مردم سلاح کشیدند و در نهایت جواب سختی از مردم ایران دریافـــت کردند.گزارش